

نقش والدین در ترغیب کودکان به نماز

زینب اسدی^۱

چکیده

نماز یک نیاز فطری و نیروی جاذبه‌ای است که در جسم و روح انسان‌ها نسبت به خالق هستی است. روح انسان در کودکی انعطاف خوبی دارد پس یاد گرفتن فریضه‌ها از جمله نماز در کودکی راحت‌تر است و دوران کودکی دوره تکوین و پایه‌گذاری شخصیت است. از آنجایی که نزد عام مردم مشهور است که کودک تا سن بلوغ تکلیف واجب‌ی براو واجب نیست. پس والدین از نقش و مسئولیت‌شان و کارهایی که باید در این فاصله تا زمان بلوغ انجام دهند، غفلت می‌کنند. رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌ها و رفتارهای مختلف، از خانه سرچشمه می‌گیرد و هر بذری که والدین در صفحه دل فرزند خود بکارند، محصول همان بذر را برداشت خواهند کرد. در ارتباط با تربیت دینی و رشد اخلاقی مخصوصاً نماز کودکان، باید خود والدین عامل به واجبات و دوری‌کننده از محرمات باشند. با زبان ساده و دور از تکلف و به تدریج، نگرش دینی مطلوب را در آنها بوجود آورند. مقاله حاضر، با هدف تبیین نقش والدین در ترغیب کودکان به نماز، به بررسی متون اسلامی پرداخته است و کودک را به یادگیری نماز، مقدمات آن و نیز خواندن آن ترغیب می‌نماید و باعث ارتباط محبت‌آمیز او با نماز و تقویت ارتباط با خداوند می‌شود می‌پردازد و اینکه آموزه‌ها باید به چه نحوی باشد تا کودک از دین زده نشود؟ تشویق کودکان باید به چه صورتی باشد؟ نظر ائمه و بزرگان در این باره چیست؟ اگر کودک از انجام آن سرپیچی کرد آیا باید توسط والدین تنبیه شوند؟ و مطالب دیگری که به ولی کمک می‌کند که به چه صورت فرزندش را به نماز خواندن دعوت کند که این عمل عبادی تا سن بلوغ در آن نهادینه شود.

کلید واژه‌ها: نقش والدین، ترغیب، نماز، کودک

^۱ - طلبه سطح ۲ حوزه علمیه حضرت نرجس سلام الله علیها

مقدمه

بارزترین مصادیق عبادت و نوع بندگی، نماز است. خداوند در وجود هر انسانی میل ذاتی به عبادت و پرستش را نهادینه کرده است. پدر و مادر به عنوان اولین مربیان تعلیمی و تربیتی، مؤثرترین نقش را در قبال ترویج فرهنگ نماز و آموزش آن عهده دار می باشند و در انجام این امر خطیر و نقش آفرین، باید توجه کامل در به کار گرفتن نکاتی به عنوان برخی از اصول و روش های تربیتی در امر آموزش را داشته باشند. زمینه سازی و فراهم کردن شرایط و بهره گیری از زمینه های مختلف مادی و معنوی، لازم است بیشتر در دوران کودکی و نوجوانی و قبل از سن بلوغ شرعی تحقق یابد تا آنان بتوانند در این سن فرزندان شان را با نماز و نحوه ارتباط با خدا آشنا سازند و گرنه در سن بلوغ و بعد از آن دچار مشکل خواهند شد و پدر و مادر نمازخوان الگوی مناسب و به جایی، برای فرزندان در خواندن نماز هستند.

امر به ولی جهت امر به کودک برای نماز

طبرسی در این زمینه بیان می‌دارد^۱ لازم است که والدین فرزندان را در سنین ۷ یا ۸ سالگی تادیب نمایند و ولی کودک باید به او نماز و روزه را آموزش دهد و وقتی کودک به سن ۱۰ سالگی رسید او را به خاطر نخواندن نماز تنبیه کند به دلیل روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) که می‌فرمایند:

کودکانتان را در هفت سالگی به خواندن نماز امر کنید و در ۱۰ سالگی آنها را به خاطر نخواندن نماز تنبیه کنید.

علامه حلی اظهار می‌دارد: کودک مادامی که به بلوغ نرسیده است نماز بر او واجب نمی‌باشد اما تمرین دادن کودک جهت خواندن نماز، مستحب است و مطالبه نماز از کودک در ۷ سالگی و تنبیه او در ۱۰ سالگی به دلیل به جا نیاوردن نماز برای ولی مستحب است... کودک در ۱۰ سالگی تنبیه می‌شود زیرا احتمال بلوغ با احتلام در این سن زیاد است^۲، وی در کتاب «تذکره الفقهاء» بیان می‌دارد: هنگامی که کودک به سن ۷ سالگی می‌رسد بر ولی لازم است که طهارت و نماز را به کودک آموزش دهد... به دلیل اینکه به خواندن نماز عادت کند؛ زیرا در این سن ملاک تمییز در عبادت برای کودک پدیدار و معنای عبادت را درک می‌کند و هنگامی که به سن ۱۰ سالگی می‌رسد به دلیل به جا نیاوردن نماز تنبیه می‌شود هرچند که نماز بر وی واجب نیست. به دلیل اینکه کودک مشمول لطف و توجه به تربیت از جانب ولی خویش است و این لطف و مسئولیت همان عادت و تمرین دادن او به نماز است^۳.

شهید اول قول علامه حلی را ضعیف می‌داند و بیان می‌دارد: [قول در معرض بلوغ و احتلام بودن سن ۱۰ سالگی برای کودک ضعیف است. نظر صحیح در مورد تنبیه کودک در ۱۰ سالگی به دلیل تربیت و خیرخواهی نسبت به او است و برای اینکه او را به خواندن و به جا آوردن نماز تمرین دهد تا در هنگام بلوغ، خواندن نماز برای وی آسان باشد^۴. پیامبر (صلی الله علیه و آله):

^۱ - طبرسی، الموتلف من المختلف بین ائمه السلف، ج ۱، ص ۹۹

^۲ - علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۳۳۱

^۳ - همان، ج ۴، ص ۳۳۵

^۴ - شهید اول، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۳۱۵

کودکانتان را در ۷ سالگی به خواندن نماز امر کنید و در ۱۰ سالگی آنها را به خاطر نخواندن نماز تنبیه کنید. بنابراین بر اولیا واجب است که کودکان خود را بر انجام عبادت تمرین و عادت دهند و آنها را از گناه و رذایل اخلاقی و گمراهی نهی کنند؛ زیرا سعادت کودک بر آموزش تعالیم و آموزه‌های دینی در دوران کودکی مبتنی است.

تحلیل جایگاه والدین در تربیت دینی فرزند

محیط خانواده همچون سرزمین حاصلخیزی است که فرزندان همچون گل‌های شادابی در آن می‌رویند. مادر نقش اول را ایفا می‌کند. چراکه اولاً کودک مهمترین سال‌های تکوین شخصیت را در محیط انس و الفت با مادر می‌گذراند و این سالها، فرصت کم نظیری برای کسب عادات، صفات و ویژگی‌های رفتاری از مادر است. دوم اینکه، مادران به لحاظ عواطف سرشار و خالصانه خود، پناهگاه مطمئنی برای کودک هستند و فرزند هر زمانی که احساس ناامنی کند، ابتدا به آغوش مادر پناه می‌برد. امام خمینی (رحمة الله علیه) در تبیین نقش مادر به عنوان نجات دهنده یک امت می‌فرمایند: «مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خدای ناخواسته مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند، مبدأ شرّند؛ یک مادر ممکن است یک بچه خوب تربیت کند و آن بچه یک امت بد نجات بدهد و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود»^۱.

دومین عامل تربیتی در خانواده، پدر است که نقش او مکمل وظیفه مادر تلقی می‌شود^۲.

در مورد اهمیت نقش پدر در تربیت فرزند، امام باقر(علیه السلام) می‌فرمایند: «يَحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ؛ حفظ و مصونیت از خطرهای و انحرافها در پرتو صلاحیت و شایستگی پدران کودکان است»^۳.

امام سجاد(علیه السلام) می‌فرمایند: «فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مِنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَثَابُ عَلِيِّ الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ»^۴: عمل کن درباره ی فرزند خویش چون عمل کسی که می‌داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می‌شود و اگر بدرفتاری کرد مؤاخذه و عقاب می‌گردد.» در

^۱ - خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۶

^۲ - شرفی، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، ص ۳۵ و ۳۶

^۳ - مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۷

^۴ - طبرسی، مکارم اخلاق، ص ۴۲۱.

جای دیگر، امام با تفصیل بیشتری می‌فرماید: «و اما حقّ ولدک فتعلم أنّه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شرّه، و آنک مسئول عما ولیّته من حسن الادب و الدلاله علی ربّه و المعونه علی طاعته فیک و فی نفسه. فمثاب علی الاحسان الیه و معاقب علی لئائه علیه. فاعمل فی امره عمل المتزینّ یحسن اثره علیه فی عاجل الدنیا المعذر الی ربّه فیما بینک و بینه، یحسن القیام علیه و الاخذ له منه^۱؛ و اما حقّ فرزند تو این است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تو در تربیت و ادب آموزی و خدشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آن چه مربوط به تو و اوست، کمک رسانی. در احسان به او پاداش می‌گیری و در بدی به او کیفر می‌بینی. عمل تو درباره او مانند کسی است که یقین دارد به کارهای نیکوی او در دنیا آرایش می‌یابد و به واسطه ی حسن قیام به وظایف و مسئولیت‌ها، در پیشگاه خداوند معذور است.

پیشوای عالی‌قدر شیعیان امام سجاده(ع) در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان تصریح فرموده است. امام(ع) پرورش‌های اخلاقی و ایمانی فرزند را از وظایف مسلم مذهبی آنان (پدران) دانسته و خاطرنشان نموده است که تربیت‌های پسندیده پدران، مانند ادای یک فریضه مذهبی، موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است و پرورش‌های ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر الهی خواهد کرد. رسول اکرم(ص) فرمودند: «ما من مولود یولد علی الفطره فأبواه یهودانه و یُنصرّانه و یُمجّسانه^۲؛ هر فرزندی بر فطرت توحید و خداپرستی متولد می‌شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی و یا زرتشتی سوق می‌دهند (و او را از راه فطرت دور می‌سازند).

علاوه بر دیدگاه اسلام نسبت به حقوق فرزند، در اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک چنین آمده: «کودک جهت پرورش کامل و متعالی شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر صورت در فضایی پر محبت در امنیت اخلاقی و مادی، پرورش یابد. کودک خردسال را به جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا کرد.^۳» بنابراین، هم قوانین پذیرفته شده بین المللی و هم آموزه های دینی با تأکید بیشتر، والدین

^۱ - ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۲۳، ص ۲۶۳

^۲ - بخاری، صحیح بخاری، جزء ۲، ص ۱۱۸

^۳ - بهشتی، اسلام و حقوق کودک، ص ۱۹

برای جلوگیری از خستگی کودکان و دین زده شدن آنها می‌توانیم تسهیلاتی برای آنها در نظر بگیریم. مثلاً جانماز را برایشان پهن کنیم و یا برخی از اذکار و ادعیه مستحبی مثل دعای قنوت را برایشان کم کنیم. با توجه به اینکه کودکان درک درستی از اوقات شرعی ندارند، ممکن است اوقات نماز را فراموش نمایند و یا در انجام به موقع آن، سهل انگاری کنند. وظیفه ما به عنوان والدین یادآوری اوقات نماز با مهربانی است. این چنین تذکری می‌تواند در انجام به موقع نماز از جانب کودکان مفید واقع شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره این سخن را تکرار نموده اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید»^۱ چرا که «خداوند مرا سخت گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر مبعوث نموده است»^۲

شهید مطهری نیز نقل می‌کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «یا مَعَاذُ بَشَرٍ لَا تُنْفَرُ وَ يَسْرُو لَا تُعَسِّرُ»؛ می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشَرٍ وَلَا تُنْفَرُ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی»^۳.

هم‌چنین امام باقر (علیه السلام) از جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که فرموده است: اسلام، دین آسان و خالی از مشقت و دشواری است، با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خدا را بر بندگان او تحمیل نکنید و همانند سواره‌ای نباشید که مرکب خود را خسته و فرسوده می‌کند و در نتیجه، نه راه سفر را پیموده و نه مرکبش سالم مانده است.^۴ و در بعضی روایات، به‌طور خاص بر شفقت و مهربانی نسبت به کودکان تاکید و توصیه شده، هراندازه می‌توانند آن‌ها را به انجام عبادت وادار نمایید^۵، پس باید طاقت و توان جسمی کودک را هم در نظر بگیریم. اگر آنچه فرد به آن ملزم می‌شود بیش از توان و طاقت جسمی او باشد، این الزام نادرست است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَنَا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصِّيَامِ... بَمَا أَطَاقُوا؛ ما به میزان طاقت و توان

^۱ - محمدی ری‌شهری، العلم والحکمه فی الکتاب والسنة، حدیث ۱۳۱۱

^۲ - همان، حدیث ۱۳۰۸

^۳ - مطهری، سیری در سیره، ص ۲۰۹

^۴ - کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۶

^۵ - ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۰.

فرزندانمان آنها را به روزه داشتن ملزم می‌کنیم» پس باید در حد توان کودک از اوبخواهیم فریضه را انجام دهد تا دل زده نشود. افراط در الزام به گونه‌ای که نوجوان را درموجب اختلالات جسمی یا روانی او گردد، به هیچ‌وجه مورد رضایت شارع مقدس نیست؛ هم‌چنان که سهل‌انگاری و ترک هر گونه الزامی، به بهانه‌ی این که توان نوجوان بسیار اندک است و نباید تا رسیدن به سن تکلیف، ممارستی در انجام اعمال دینی داشته باشد، مورد پذیرش شارع مقدس نیست.

نتیجه گیری

پدر و مادر به عنوان اولین مربیان تعلیمی و تربیتی، مؤثرترین نقش را در قبال ترویج فرهنگ نماز و آموزش آن عهده دار می باشند. و در انجام این امر خطیر و نقش آفرینی، باید توجه کامل در به کار گرفتن نکات مطرح شده به عنوان برخی از اصول و روش های تربیتی در امر آموزش را داشته باشند. والدین به یاد داشته باشند که در آموزش نماز به کودک خود نقش الگویی را بر عهده دارند. باید آشکارا، مواظب اعمال و رفتار خود باشند و آن چه را که آموزش می دهند، خود پیشگام در عمل نمودن به آن باشند. والدین باید به نقش مراقبتی و نظارتی، تشویقی، پرهیز از سهولت و سخت گیری و روش های آموزشی خود دقت کنند که یکی از ضروریات فعالیت تربیتی است و دستاورد این گونه تربیت آن است که فرزند به خودکنترلی خواهد رسید.

فهرست منابع

*قرآن کریم

(۱) ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۶۴

(۲) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۷۰

(۳) بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۹.
(۴) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، انتشارات موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۰

(۵) ج ۵، ص ۱۲۳

(۶) خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۹-۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۳۶

(۷) داودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸، ص ۱۹۵-۱۹۸.
(۸) سید حکمت قاضی میر سعید، علی اکبر، پرواز تا بی نهایت، سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۱۳۹۳، ص ۴۲

(۹) شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، خصال، علمیه اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲۷

(۱۰) شرفی، محمدرضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاههای امام خمینی، پنجره، ۱۳۸۶، ص ۳۵ و ۳۶

(۱۱) شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ ق

(۱۲) طبرسی، حسن بن فضل، مکارم اخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش

۱۳).....الموتلف من المختلف بين ائمه السلف، مشهد مجمع البحوث الاسلاميه، ۱۴۱۰ ق .

۱۴) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۵۷

۱۵) علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق

۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۸۶،

۱۷) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۴۰، ج ۸۵،

ص ۲۷۶

۱۸)..... ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۷

۱۹) مطهری، مرتضی، سیری در سیره، انتشارات صدرا، ۱۵۰۲ ش، ص ۲۰۹